

## اصلاحات اقتصادی کاغذی چرا و چگونه؟

منبع : Fortune برگردان : ابراهیم اخلاقی – واحد ارزی قم

در حالی که بحث و گفتگو بر سر اصلاحات مالی ادامه دارد تاکنون نظرات متعددی نیز در مورد چگونگی تنظیم شرکت های خدماتی مالی ارایه شده است اما پیشنهادات ارایه شده پاسخی به نیازهای ایجاد اصلاحات نبوده بلکه احتمال آسیب به اقتصاد و تخصیص اعتبار را افزایش داده است.

برای مثال مفهوم ایجاد بوروکراسی جدید برای حفظ منافع مشتریان تحت نظام فدرال نه تنها اقدامی اشتباه تلقی می گردد بلکه مانعی در برابر بازگشت به دوران اقتصادی بهتر خواهد بود. محدودیت ها و شرایط جدید اعطای وام که با اهم نظام بوروکراسی جدید ایجاد شده است به نوبه خود دسترسی مشتریان به اعتبار را کاهش داده و هزینه های آن را افزایش خواهد داد. بنابراین اگرچه ممکن است اندک افرادی در برابر این شرایط (سخت) مصون نگاه داشته شوند اما از طرف دیگر دهها هزار نفر را از دسترسی به اعتبار محروم خواهند کرد. بدون اعطای اعتبار، بهبود اقتصادی و رشد فرصتهای شغلی به محقق خواهد رفت. در چنین شرایطی که دست به گریبان مسایل پیچیده تری هستیم استفاده کنندگان از وام های کالای مصرفی با وجود آنکه تأثیر چندانی در روند بحران مالی ندارند آسیب بیشتری خواهند دید. از موضوعات مهم و قابل بحث در این مورد ضریب اتكاء و یا میزان بدھی وام ها می باشد. یکی از دلایل اساسی بحران که نظام مالی را به حضیض کشاند بدھی بیش از حد بانکهای سرمایه و تراز بانکهای تجاری بود که کمبود سرمایه را نشان می داد. اگر بانک سرمایه دارای ضریب اتكائی ۳۰ به ۱ باشد سقوط ۳/۳ درصد دستخوش تغییر خواهد شد. چنانچه ضریب اتكاء مهار نگردد، بدھی بیش از حد کمبود سرمایه، نظام مالی را به خطر خواهد انداخت.

حال با توجه به مطالب مذکور آیا باید به دوره ای که بانک های تجاری و سرمایه از یکدیگر جدا بودند برگشت؟ یکی از دلایل تصویب این قانون در دهه ۳۰ آن بود که بانکها، شرکت ها را مجبور می کردند تا سهام خود را به مردم فروخته تا بدھی خود را به بانکها بپردازنند. شرکت های قربانی این بحران نیز به دلیل ترس از بازپرداخت وام خود به قرض دهنده کان عملکرد شفافی نداشتند. در مجموع این ترکیب، رضایت سهامداران را تأمین نکرده و خط مشی مناسبی نیز جهت تشکیل سرمایه تلقی نمی گردید بنابراین با ادامه این روند باید از فعالیت بانک های سرمایه ای و تجاری به صورت تک مالکیتی جلوگیری کرد.

دولتها باید به جای ایجاد محدودیت در حوزه اعتبار بخشی به مشتریان، قوانین مصوب را اجرا و ضرایب اتكائی به وامها را تحت کنترل خود درآورند. به طور خاص آنها باید ضریب اتكائی ۱۵ به ۱۰ را به همه بانک های سرمایه تحمیل کنند آنها همچنین به ضرایب سرمایه ای بیشتر در بانک های تجاری و شرکت های مادر تخصصی نیاز دارند. چرا معیار متغیر را برای نیازهای سرمایه ای ایجاد نمی کنیم؟ به این معنا که هر اندازه حجم تراز بیشتر باشد درصد سرمایه ای که باید نگهداری شود بالاتر خواهد رفت. این مزیت به بانکهای کوچک که قادر ریسک سیستماتیک هستند اجازه خواهد داد تا

در صورت بروز بحران از حمایت شرکای بیشتری برخوردار شوند. به نظر می‌رسد که باید ضرر و زیان حاصل از اعتبار بخشی بانک‌های تجاری را از محل منابع تخصیص نیافته جبران نمود اما در عوض به بانکها فرصت داده شد تا برگشت سودشان را خود مدیریت کنند. واضح و مبرهن است که نگهداری ذخایر بانکی در شرایط عادی می‌تواند به عنوان پشتونه‌ای برای مطالبات عموق وام‌های پرداختی دوره بحران مالی و رکود تلقی گردد. اگر اصلاحات مورد نظر در این حوزه انجام شود راهی طولانی برای پیشگیری از بروز دوباره بحران و احیای اعتماد دوباره به اعتبار نظام مالی بین‌المللی در پیش است.